



بررسی تاریخ نگاری فتوح ایران با توجه به سیره پیامبر(ص)

نازنین فاطمه جلوخانی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده:

اقوال و افعال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دیدهٔ مسلمانان، یگانه راهنمای ایشان پس از قرآن به شمار می‌رود. محدثان، یعنی نخستین کسانی که به مغازی و سیرت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) توجه و آن‌ها را حفظ کردند، باید اولین مورخان عصر اسلامی به شمار آورد. به سبب همین اهمیت، اسناد روایت و نقد راویان سیره و مغازی نیز همچون احادیث دیگر در ارزیابی میزان صحت آن‌ها اهمیت یافت و به عنصری اساسی در بررسی روایات تاریخی و تاریخ‌نگاری روایی تبدیل شد، لازمه آن رجوع به کتب تاریخی و منابع اصلی ثبت فتوحات است. تاریخ نگاری اسلامی را راویان اخباری آغاز کرده‌اند. تاریخ نگاری عصر فتوحات در سه قرن اول هجری، سرآغاز انتشار بسیاری از روایات دروغین به ویژه فتوح ایران در کتب تاریخی است. طبری نیز حجم قابل توجهی از این جعلیات را در اثر خود گنجانده به طوری که در دوره‌های بعد کتاب او به عنوان مرجع مورد استفاده دیگر مورخان اسلامی قرار گرفته است. پژوهش حاضر ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در پژوهش حاضر قصد داریم به سوالاتی نظیر: ۱- سیره پیامبر(ص) در زمینه احکام فتوح چیست؟ ۲- شیوه رفتار خلفا در فتوحات بعد از پیامبر(ص) چگونه بود؟ ۳- وضعیت ایران زمین قبل از فتوحات به چه شکلی بود؟ و... بپردازیم.

واژگان کلیدی: تاریخ نگاری فتوح، فتوح ایران، سیره پیامبر(ص)، تاریخ طبری.



مقدمه:

از دیدگاه روش‌های تاریخ‌نگاری، روش‌روایی یا حدیثی - خبری، از کهن‌ترین و مهم‌ترین روش‌های عرضه اخبار تاریخی در تاریخ‌نگاری اسلامی به‌شمار می‌رود. تحقیق درباره آغاز شکل‌گیری و رواج این روش، قطع نظر از تاریخ ظهور روایت و اسناد روایت، مستلزم بحث درباره کتابت روایات و اخبار تاریخی است. نظر مشهور بر آن است که روایات مربوط به انساب و مغازی و سیره تا اوایل سده ۲ق/ ۸م به صورت شفاهی نقل می‌شد. پس از آن، راویان به تدریج به کتابت گرایش یافتند و هم اینها نخستین مورخان عصر اسلامی به‌شمار می‌روند. در واقع تاریخ‌نگاری اسلامی با آغاز کتابت حدیث و اخبار مقارن بود. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که دست‌کم بخشی از گزارش‌های مورخان چون طبری از منابع مکتوب گرفته شده است و گروهی از محققان، ضمن تحقیق درباره نخستین راویان مغازی و آثار آن‌ها، معتقد شدند که روایات از آغاز، یعنی از زمانی که مسلمانان به اهمیت روایت پی بردند نوشته می‌شد. درباره اسناد روایت، اعم از شفاهی یا مکتوب، باید گفت که حوادث و کشمکش‌های سیاسی و اعتقادی که جعل حدیث و دخل و تصرف در آن‌را نیز در پی داشت موجب توجه به سلسله سند روایت شد و هرکس که خبری اعم از دینی و غیر دینی روایت می‌کرد، آن‌را به کسی که شاهد صدور آن خبر از منبع اصلی بود، یا آن‌را بلاواسطه از شنونده و شاهد دیگر گرفته بود، مستند می‌کرد. پدیده اسناد و اصطلاحاتی چون «سماع» و «قرائت» و «کتابت» و جز آن‌ها را نشانه‌ای بر وجود منابع مکتوب اخبار و روایات در دوران آغازین اسلام دانسته‌اند و شواهدی بر آن اقامه کرده‌اند. به هر حال، از آن‌جا که اقوال و افعال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به دیده مسلمانان، یگانه راهنمای ایشان پس از قرآن به شمار می‌رود، محدثان، یعنی نخستین کسانی را که به مغازی و سیرت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) توجه، و آن‌ها را حفظ کردند، باید اولین مورخان عصر اسلامی به‌شمار آورد. به سبب همین اهمیت، اسناد روایت و نقد راویان سیره و مغازی نیز همچون احادیث دیگر در ارزیابی میزان صحت آن‌ها اهمیت یافت و به عنصری اساسی در بررسی روایات تاریخی و تاریخ‌نگاری روایی تبدیل شد. از اولین محدثانی که به سیره و مغازی پرداختند، روایات آن‌را گرد آوردند و نوشتند و آثارشان طلیعه تاریخ‌نگاری روایی به شمار می‌رود، باید به عیان بن عثمان، عروه بن زبیر، شرحبیل بن عثمان، و محمد بن مسلم بن عبدالله زهري اشاره کرد که بنیان‌گذاران مکتب تاریخ‌نگاری مدینه نیز به شمار می‌روند. اولین نمایندگان مکتب عراق چون ابومخنف و عوانه بن حکم نیز از آغازکنندگان تاریخ‌نگاری روایی به شمار می‌روند. برجسته‌ترین نماینده روش تاریخ‌نگاری روایی، طبری است که اساساً بینش حدیثی داشت و ارزش روایات را به اساتید آن وابسته می‌دانست. بر این روش که فاقد ارزیابی و نقد متن روایات است و پیوندهای تاریخی میان اجزاء آن سست می‌نماید، خرده‌ها گرفته‌اند. تاریخ‌نگاری عصر فتوحات در سه قرن اول هجری، سرآغاز انتشار بسیاری از روایات دروغین به ویژه فتوح ایران در کتب تاریخی است. طبری نیز حجم قابل توجهی از این جعلیات را در اثر خود گنجانده به طوری که در دوره‌های بعد کتاب او به عنوان مرجع مورد استفاده دیگر مورخان اسلامی قرار گرفته است. پژوهش حاضر ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در پژوهش حاضر قصد داریم به سؤالاتی نظیر: ۱- سیره پیامبر(ص) در زمینه احکام فتوح چیست؟ ۲- شیوه رفتار خلفا در فتوحات بعد از پیامبر(ص) چگونه بود؟ ۳- وضعیت ایران زمین قبل از فتوحات به چه شکلی بود؟... بپردازیم.



بررسی منابع :

کتاب تاریخ طبری: محمد بن جریر طبری نویسنده تاریخ الرسل و الامم و الملوک در سال ۲۲۴ ه. ق در آمل یکی از شهرهای سرزمین طبرستان - مازندران فعلی - متولد شد. از این رو وی را در انتساب به محل تولدش «طبری» می‌گویند. تاریخ طبری دو بخش عمده دارد: بخش پیش از اسلام و بخش پس از اسلام. طبری در بخش اول به مباحث خلقت، پیامبران، امتهای پیشین، تاریخ و پادشاهان ایران و روم پرداخته است، ترتیب ذکر حوادث در این بخش بر حسب ترتیب انبیاء و جایگاه تاریخی حوادث است. طبری در این قسمت درباره تاریخ ایران اخباری آورده است که در هیچ متن معتبر عربی دیگر دیده نمی‌شود. بخش دوم تاریخ طبری که حوادث دوره اسلامی است، از سال اول هجرت به شیوه سالشمارانه آغاز و به وقایع سال ۳۰۲ ختم شده است. روشی که طبری در تدوین تاریخ بر می‌گزیند، روش محدثین است؛ بدین صورت که با ذکر سلسله سند به ذکر اخبار می‌پردازد. طبری همانگونه که در مقدمه تاریخ خود ذکر می‌کند، تاریخ را جزو علوم نقلی می‌داند نه عقلی؛ زیرا به عقیده او راه علم بر اخبار گذشته فقط خبر خبرگزاران و نقل ناقلان است و تاریخ با عقول و افکار محققان استنباط و استخراج نمی‌شود. طبری در این روش، با انبوهی از روایات که گاه با یکدیگر هم سازگار نیست مواجه می‌شود ولی هیچگاه دست به نقد پاره‌ای از مضامین آنها نمی‌زند؛ زیرا برای او صرف صحیح بودن سند کفایت می‌کند. طبری با نقل روایات راویان و حتی اختلافات جزئی آنان در یک حادثه خدمت بسیار مهمی به تاریخ اسلام کرده است. اگر او همه این روایات را در این مجلدات جمع نمی‌کرد، بسیاری از اخبار گذشتگان به ما نمی‌رسید، البته باید این موضوع را کاملاً در نظر بگیریم که توجه او و ثبت روایات جعلی و غیرواقعی توسط او باعث بروز ابهامات و اشتباهات تاریخی شده است که حتی شامل حال آثار مورخان قابل اعتماد دوره‌های بعد از او نیز شده است. طبری برای تدوین کتاب خود از عمده منابع موجود در عصر خود بهره برده، برخی از منابع طبری بر حسب موضوعات به شرح زیر است: او اخبار رده و فتوح را از سیف بن عمر نقل کرده است. منابع طبری بیشتر از عراق است، زیرا او در بغداد زیسته است. دکتر جیمس رابسن مستشرق معروف انگلیسی در طی نامه‌ای که به علامه عسگری نوشته است و آن در بخش پیشگفتار کتاب صدو پنجاه صحابه ساختگی چاپ شده است درباره کتاب تاریخ طبری می‌گوید: ((اما می‌خواهم راجع به طبری که در نقل اخبار سیف هیچ تردیدی نکرده است اظهار نظری کرده باشم. باتوجه به سبک تاریخ نگاری مدرن امروز، تاریخ طبری یک اثر تاریخی به شمار نمی‌رود، چون چنین به نظر می‌رسد که هدف اصلی او نوشتن تمام روایاتی بوده است که به آنها دسترسی پیدا کرده، بدون اینکه لازم بداند اظهار نظری درباره ارزش و اعتبار آنها کرده باشد. بنابراین یک نفر می‌تواند به راحتی بفهمد که بعضی از روایات او از روایات دیگرش ضعیف تر است)). طبری اثر فراوانی بر مورخان پس از خود گذاشت بگونه‌ای که ابن اثیر و ابن کثیر و ابن خلدون در تاریخشان از تاریخ طبری بهره بسیار برده‌اند. تاریخ طبری در عصر سامانیان به دستور منصور بن نوح سامانی (متوفای ۳۸۲) توسط و یا زیر نظر ابو علی بلعمی با حذف روایتهای مکرر و حذف سلسله اسناد و بعضی تصرفات به فارسی ترجمه شد همین ترجمه فارسی به زبان ترکی ترجمه و چاپ شده است، همچنین ترجمه فارسی به فرانسه برگردانده و در پاریس چاپ شده است. بخش قبل از اسلام «ترجمه تاریخ طبری» با تصحیح ملک الشعراء بهار و تصحیح محمد پروین گنابادی در سال ۱۳۴۱ ش چاپ شده است. قسمت مربوط به ایران «ترجمه تاریخ طبری» نیز با مقدمه و حواشی محمد جواد مشکور به سال ۱۳۳۷ ش منتشر گردیده. دوره اسلامی

«ترجمه تاریخ طبری» در ۳ جلد با عنوان تاریخنامه طبری با تصحیح و تحشیه محمد روشن در سال ۱۳۶۶ ش چاپ شده است.

کتاب الاستیعاب :

استیعاب از اولین کتابهایی است که ابن عبد البر نوشته، زیرا در کتابهای دیگرش به این کتاب ارجاع می‌دهد. در زندگینامه یکی از شاگردانش اشاره شده که او کتاب مذکور را از ابن عبد البر حدود سال ۴۳۳ ه. ق روایت کرده که شاهی است بر این که این کتاب قبل از تاریخ مزبور نوشته شده است. بسیاری از علمای هم عصر او و بعد از او به لحاظ این که استیعاب جنبه‌های حدیثی و تاریخی را مفصل‌تر بیان کرده و از کتابهای مشهور نویسندگان اندلسی است، آن را ستوده‌اند بویژه آن که هیچ کتابی از نویسندگان اندلسی در مورد صحابه مانند استیعاب شهرت نیافته و به منزله مفقود می‌باشد. ابن عبد البر در مقدمه کتاب به لحاظ عنایت به سنت شریفه، بهترین راه را برای حفظ سنت، شناخت راویان سنت پیامبر (ص) دانسته است و بعد از آن بحث عدالت صحابه و تفاوت فضل آنها را به سبب همراهی‌شان با پیامبر (ص) و پیشی گرفتن‌شان به اسلام مطرح کرده است و این که هر کس سال‌های متمادی او را همراهی کرده نسبت به کسی که او را چند بار دیده است برتری دارد. و پیشی گرفتن‌گان در اسلام کسانی هستند که به دو قبله نماز خوانده‌اند و بر اساس قولی دیگر هر کسی که در بیعت رضوان حضور داشته است و این افراد حدود تا ۱۵۰۰ نفر می‌باشند. سپس در مورد نویسندگان پیش از خود، می‌گوید در ذکر نسب خیلی طولانی بحث کرده و ایرادات روایات را زیاد بیان کرده‌اند در حالی که اخبار و احوال صحابه را بطور خلاصه نوشته‌اند و خود او به اختصار مطالبی را از کتابهای آنها گرفته است. او مهمترین منابع مورد اعتماد خویش را یاد کرده است و این که به هر کس که یک ملاقات کوتاهی با پیامبر (ص) داشته و یا یک کلمه از ایشان شنیده و نقل کرده، بسنده نکرده است بلکه کسانی را که در عهد او متولد شده و به او ایمان آورده‌اند نیز ذکر کرده است. او برای استیعاب مدخلی قرار داده که در آن نسب راویان پیامبر (ص) را بر اساس قبیله‌ها بیان نموده است. بعد از ذکر مقدمه، سیره پیامبر (ص) را خلاصه‌وار بیان کرده، تا اصحاب و پیامبر (ص) با هم برای خواننده شناخته شوند. در بحث زندگینامه صحابه، در آغاز نام مردان و سپس کنیه آنها و در قسمت سوم زنان و کنیه آنها را بیان کرده است. ابن عبد البر کتاب را بر اساس حروف معجم مرسوم در تردد اهل اندلس و مغرب، مرتب نموده بود و آقای بجاوی آن را بر اساس حروف معجم مرسوم در نزد مردم مشرق منظم نمود تا استفاده از آن آسان‌تر باشد. و علمای بسیاری کتابهای خود را در مورد صحابه بر اساس حروف معجم مرتب کرده‌اند مانند: کتاب معرفة الصحابه، اسد الغابة و الاصابة. با نگاهی دقیق و تطبیقی بین استیعاب و کتابهای قبل از او در مورد صحابه آشکار می‌شود که امتیاز استیعاب، نگاه تاریخی وی در نوشتن زندگینامه صحابه و بیان فضل و سابقه آنان با کلامی مختصر و مفید است که خواننده را بی نیاز می‌کند و همین مسأله سبب نوشتن کتاب مذکور شد، ابن اثیر صاحب اسد الغابة نیز در مورد روش ابن عبد البر می‌گوید: او در استیعاب نسبت صحابه، احوال شخصی، فضایل و حضور آنها را در حوادث بیان کرده که نیکوست، اما به دلیل ذکر احادیث و طریق روایات به کتابهای حدیثی بیشتر شباهت دارد و در آخر می‌گوید با این حال استیعاب به یک کتاب تاریخی بیشتر شباهت دارد بر خلاف نوشته‌های دیگر که جنبه حدیثی آنها بیشتر است. بیشتر منابع مورد استفاده استیعاب؛ کتابهای زندگینامه نویسی، تاریخ و اخبار هستند و اهل حدیث آن را بهترین کتاب در مورد صحابه می‌دانند. اما به لحاظ نقل بسیارش از تاریخ نگاران و تفصیل در امور تاریخی، آن را به نقد کشیده‌اند. ابن عبد البر زندگینامه صحابه و تابعین را در عصر جاهلیت، صدر اسلام، زمان خلفای راشدین، خلافت حسن بن علی (ع)، دوران حاکمیت بنی امیه و حتی دوره



حاکمیت بنی عباس تا زمان متوکل را بیان می‌کند یعنی تمام اقدامات و حوادث مربوط به هر یک از صحابه و تابعین در این دوره‌ها را به تصویر کشیده است.

کتاب و آثار علامه عسکری:

سید مرتضی شریف عسکری مشهور به علامه عسکری (۱۲۹۳ - ۱۳۸۶ ش)، سیره‌نگار و مورخ. او در آثار خود کوشیده است تا با نگاهی محققانه، به بررسی تاریخ اسلام بپردازد. مهمترین کتاب‌های وی عبارت‌اند از صد و پنجاه صحابه ساختگی، التوسل بالنبی (ص) و التبرک آثار، عبدالله بن سباء. نگارش کتاب‌های بحث‌انگیز، شهرت علامه عسکری را در جهان اسلام به دنبال داشت، و همین مسئله موجب شکل‌گیری مناظرات مختلفی میان او و چهره‌های اهل سنت شد؛ از جمله بن باز، مفتی اعظم سابق وهابیت، ابوالاعلی مودودی دانشمند اهل سنت، خطیب رقه و... به نظر سید مرتضی عسکری، با رحلت پیامبر اسلام (ص)، منافقین چون معارضی در مقابل خود نمی‌دیدند، دست به تخریب چهره واقعی اسلام زدند. برخی از مغرضین هم در این میان، مقام نبوت و رسالت را در حد یک مجتهد پایین آوردند تا اصحاب را همسنگ او قرار دهند و محملی برای توجیه برخی اقدامات نامناسب آن اصحاب فراهم شود. به باور او، برخی از راویان، در روایات سیره و تاریخ، به قدری نعل وارونه زده‌اند که جای شب و روز، ظالم و مظلوم عوض شود و این رویکرد موجب گردید اسلام بد آموخته شود. علامه عسکری با کنکاش در مجموعه روایات رسیده از صحابه، جعلی بودن شخصیتی به نام عبدالله بن سباء، حقیقت شیعه را به جوامع علمی جهان اسلام شناساند. این اقدام او در حالی بود که بسیاری از مجامع علمی اهل سنت، عبدالله بن سبا را پایه‌گذار تشیع می‌دانستند. این حرکت علمی سید مرتضی عسکری، یعنی نگارش کتابی درباره ساختگی بودن شخصیت عبدالله بن سبا، مایه ابراز خوشحالی عالمان شیعه هم‌عصر او شد و تعجب آنان را برانگیخت. چنانکه خود او نقل کرده، شیخ راضی آل یاسین، نویسنده کتاب صلح امام حسن (ع)، او را در همین زمینه، رفع‌کننده ننگ از پیشانی شیعه خوانده است. سید مرتضی عسکری، کتاب صد و پنجاه صحبه ی ساختگی را پس از کتاب عبدالله سباء نوشته است. با روشن شدن شخصیت جعلی عبدالله بن سباء، او با تحقیقی گسترده، صد و پنجاه صحابی ساختگی دیگر در کتب حدیثی اهل سنت را با استفاده از مستندات و دلایل اهل سنت، معرفی می‌کند. سید مرتضی عسکری در ۲۵ شهریور ۱۳۸۶ ش (چهارم رمضان ۱۴۲۸ ق) در ۹۳ سالگی پس از یک دوره بیماری در بیمارستان میلاد تهران درگذشت، و در حرم حضرت معصومه دفن شد.

کتاب نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران:

کتاب «نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری (با رویکرد فتوح ایران)» در چهار فصل به تاریخ نگاری فتوح در حوزه شرقی خلافت اسلامی، مهم‌ترین فتوح و بررسی زمینه‌ها و شرایط آن‌ها پرداخته است. کتاب با تقسیم بندی منابع، ۴۷ عنوان از منابع فتوح نگاری ایران را از دیدگاه مطالعات سند شناختی، کتاب شناختی، روش شناختی، رجالی و تاریخی بررسی کرده است. فصل نخست کتاب، سیمای عمومی پژوهش براساس پیشینه و ادبیات موضوع، اهداف و اهمیت پژوهش، پرسش‌ها و فرضیه‌ها، همچنین نقد و خلاصه معرفی منابع مورد مطالعه را ارائه می‌کند. فتوح نگاری اسلامی، راه‌های شناخت نخستین منابع تاریخی مکتوب، زمینه‌ها و علت‌های فتوح نگاری، آغاز فتوح نگاری، نخستین مرکزهای فتوح

نگاری، جایگاه اسناد در تاریخ نگاری و فتوح نگاری عراق، انواع فتوح نگاری و آسیب شناسی فتوح از دیگر مسایل مطرح شده در این فصل به شمار می روند. فصل دوم نیز به منابعی پرداخته است که همه یا بخشی از فصل هایش را به منظور روشن کردن احکام و حقوق مالی و امور اداری دولت اسلامی در برخورد با سرزمین های فتح شده اختصاص داده است. فصل سوم کتاب به بررسی فتوح نگاری های محلی و جغرافیایی پرداخته است که شاخه ای از تاریخ نگاری سیاسی و نوعی «فرهنگنامه تاریخ های محلی» به شمار می روند. زنجیره ای از فتوح نگاری محلی - جغرافیایی که از حدود ۱۷۰ هجری قمری آغاز و به بلاذری (۲۷۹ ه.ق) پایان می یابد. فصل چهارم به بررسی کتاب های «الفتوح» ابن اسحاق، «سیف بن عمر تمیمی» و «ابوحذیفه اسحاق بن بشرمرزوی» که تاریخ عمومی به شمار می روند، همچنین «تاریخ خلیفه بن خیاط» درباره تاریخ پیامبران خلیفه ها و سلاطین و کتاب «الاکخبار الطوال ابوحذیفه دینوری» درباره اخبار پادشاهان ایران قبل از اسلام پرداخته است. «سخن پایانی» این کتاب با پیشنهادهایی مانند بازسازی کتاب ها و تک نگاری های فتوح، تهیه دانشنامه جامع فتوح، نقد و بررسی و مقایسه سندی و محتوایی روایات و رجال شناسی منابع تاریخی به پایان رسیده است. منابع تاریخی که به فتوح در سه قرن نخست قمری پرداخته با تاثیر از انگیزه های سیاسی و فقهی گردآوری و بیشتر آن ها در عراق و به شیوه روایی و اسنادی تدوین شده است. قاضیان و کاتبان از افرادی به شمار می روند که در نوشتن این تاریخ نگاری ها نقش اساسی داشتند.

سیره پیامبر(ص):

واقعیت های دین اسلام در باب احکام فتوح که در جنگ ها و اتفاقات زمان حیات پیامبر(ص) وجود داشته است، مسیر انحرافات و بدعت های پس از پیامبر را به خوبی نشان می دهد و در ذهن خواننده، حقایق را از لابه لای اتفاقات و جعلیات تاریخی جدا می کند. به جرات می توان گفت: حقیقتا آنچه به عنوان اسلام حقیقی و اسلام تاریخی در منابع وجود دارد، فاصله بین حق و باطل است. آنچه که درباره باقی ماندن اسلام در دوره آخرالزمان در روایات صحیح آمده، امروز کاملا به حقیقت رسیده است. می توان ادعا کرد بعد از پیامبر(ص)، دشمنان اسلام که مهم ترین آنها اعراب منافق بودند، تمام تلاش خود را کردند تا چیزی از اسلام حقیقی نماند و ما امروز می بینیم که اسلام به پوستینی وارونه شبیه است. شاید اسلام بین اعراب به آن شکل که باید مورد حمایت واقع نشد و بیشتر به چشم فرصت برای کشورگشایی دیده شد اما گسترش اسلام در جهان فقط به دلیل آموزه های آن بود و نه شمشیر و اجبار غاصبان آن. همواره، این وظیفه ما است تا در جهت بالا بردن سطح آگاهی خود و دیگران تلاش کنیم. زرین کوب در کتاب کارنامه اسلام به موارد مهمی از جمله تاثیر روایات پیامبر(ص) درباره علم و گسترش اسلام در دوره های بعد، پرداخته است. در بین مسلمین، سبب عمده حصول آنچه معجزه اسلامی خوانده می شود بی هیچ شک ذوق معرفت جویی و حس کنجکاوی بود که تشویق و توصیه قرآن و پیغمبر آن را در مسلمین بر انگیخت. کثرت تعداد علماء، اطباء، و مترجمان در عهد نهضت عباسی شاید این سوال را به خاطر بیاورد که آیا این جماعت عرب بوده اند یا نه؟ جواب معروف ابن خلدون در این دوره نیز صادق بود که می گوید: حمله العلم اکثرهم العجم. چنانچه در سراسر دوره تمدن اسلامی در بین کتابهای طب، نجوم، فلسفه نیز بعضی آثار مهم هست که عربی می باشد، اما به دست غیر مسلمانان انجام شده است. (زرین کوب، ۱۳۴۸: ۳۵) آمادگی مسلمین برای اخذ و نشر علوم، و احادیثی که از پیغمبر در تشویق به دانش طلبی نقل می شود، به علاوه وجود اسباب و موجبات دیگر، شروع یک نهضت علمی را در قلمرو اسلامی سبب شد. ترجمه و نقل علوم یونانی قدم اول بود در حصول این نهضت که بعضی اروپائیان آن را تسخیر یونانیگری خوانده اند و تا حدی همان بود که اسلام را در قیاس با اروپا یک چند مشعلدار دانش و معرفت جهانی کرد. این کار هم به وسیله اهل ذمه (خاصه نصارا و مجوس) انجام شد

که بر خلاف اعراب به اقتضای معیشت و تربیت بالسنه ی دیگر آشنا بودند. (همان، ۱۳۴۸: ۴۷) آشنایی با علم و مباحث مربوط به کلام در واقع از عهد اموی نشأت و اساس گرفت و این عهد بود که در طی آن، در عراق و شام و مصر، کسانی که با علم و فلسفه یونان و هند و ایران آشنایی داشتند به اسلام گرویدند و یا به خدمت خلفا و حکام مسلمان در آمدند. پیش از آن به سبب اشتغال به فتوحات که تمام همتها بدان مصروف بود جز به قرآن و حدیث و آنچه از لغت و شعر و ادب و قصص انبیاء و تاریخ که برای فهم آن لازم بود نمی پرداختند. قرآن و حدیث در واقع دو سرچشمه بزرگ اصلی بود برای دین و شریعت. (همان، ۱۳۴۸: ۵۰) بحث احادیث و روایت در تاریخ جایگاه بسیار مهمی دارد، آنچه از سیره پیامبر و ائمه به ما رسیده است در قالب احادیث و روایت می باشد، که در این پژوهش آن را بررسی می کنیم.

وضعیت ایران ساسانی قبل از حمله اعراب:

دلایل سهولت در فتح ایران توسط اعراب تا حدودی مربوط به وضعیت مردم ایران پیش از ورود مسلمانان است. اینکه چرا مردم ایران هم از شاهنشاهی ایران در برابر حمله اعراب آن طور که باید حمایت نکردند و اتحادی در بین مردم برای مقاومت ایجاد نشد و هر شهر خود به تنهایی سعی می کرد در برابر یورش اعراب مقاومت کند یا سریعاً خود را تسلیم می کرد و جزیه را می پذیرفت. در طلبه فتح اسلامی، ایران دوره ساسانی رو به سوی آشفتگی سیاسی می رفت. جنگ های ایران و روم عامل اصلی اضمحلال و هرج و مرج در اوایل قرن هفتم میلادی بود. در ۵۹۰ م ستاره اقبال خسرو دوم در برابر بهرام ششم رو به افول بود و خسرو برای بستن اتحادی با رومیان مجبور به واگذاری قسمتی از قلمروش به آنها گردید. وی از حدود سال ۶۰۰ م که قدرت خود را تثبیت کرد، تصمیم به باز پس گرفتن قلمرو از دست داده گرفت. این نبرد بسیار متفاوت از جنگ های قبلی بود که در قلمروهای مرزی، مانند ارمنستان و سوریه اتفاق افتاده بودند. خسرو دوم قلب روم را هدف قرار داد و در دوره ی کوتاهی موفق به فتح و تاراج بیشتر آسیای غربی شد. جنگهای فرسایشی ۲۸ ساله، هر دو قدرت ایران و روم را تضعیف کرد و سرانجام بالاخره در اواخر دوره خسرو دوم، موفقیت هراکلیوس جای پیروزی های زود هنگام خسرو را گرفت. این امر، باعث پایان یافتن حکومت خسرو دوم در ۶۲۸ م شد. سقوط خسرو دوم، بی ثباتی سیاسی را برای شاهنشاهی ایجاد کرد که تا پایان پابرجا بود. همچنین، متصرفات شرقی روم به دست اعراب افتاد و بیزانس، مصر و لونت (کشورهای حاشیه مدیترانه شرقی) را نیز از دست داد. موقعیت نسبتاً آسان اعراب برای به دست آوردن قلمرو رومی ها، به این علت بود که جنگ های رومیان و ساسانیان، قدرت و حاکمیت هر دو امپراتوری را تحلیل برده بود و رومی ها پس از جنگ های ویرانگر و طولانی که در آن به پیروزی رسیده بودند، فرصت احیای مجدد قدرتشان را نداشتند. می توان گفت که در ایران، حکومت مرکزی تیسفون و نهاد پادشاهی بسیار ضعیف شده بود. می توان شرایط پس از مرگ خسرو دوم را به صورت زیر خلاصه کرد: بر طبق گفته بلعمی، شاهان ایران تعدادی گماشته داشتند که شب قبل از جلوس شاه بر تخت، نام او را بر پشت بام ها با صدای بلند فریاد می زدند و بدین ترتیب، مردم اطلاع می یافتند که شاه بعدی کیست. از آن پس، پادشاهان ساسانی که بر تخت جلوس کردند، به خاطر فقدان مشروعیت، نتوانستند شاهنشاهی را اداره کنند، و در دربار و ایالات شاهنشاهی، هیچ کدام قدرت مطلقه ی آنان را گردن ننهاندند. ممکن است این موضوع، دلیل اصلی فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان باشد. در واقع، این بحران در مشروعیت، در دوره خسرو دوم و یزدگرد سوم وجود نداشت. اما دوره فروپاشی را می توان به سه دوره مشخص تقسیم کرد: دوره اول در طول سلطنت قباد دوم (۶۲۸ م) آغاز شد و دوره حکومت بوران ملکه ساسانی (۶۳۰ م) طول کشید. این دوره را می توان، دوره برادر کشی و کاهش مشروعیت پادشاهی نامی دوره دوم از زمان سلطنت بوران تا دوره یزدگرد سوم (۶۳۰-۶۳۲ م) بود که می توان

آن را در دوره چند دستگی و تفرقه نامید. دوره سوم، دوره حکومت یزدگرد سوم است که می توان آن را دوره پادشاهی سرگردان نامید. (دریایی، ۱۳۸۳: ۶۲-۵۹) یزدگرد سوم (۶۳۲ - ۶۵۱م): «دوره پادشاهی سرگردان» دوره تجزیه و فروپاشی شاهنشاهی، که دوران حکومت یزدگرد سوم بوده، عصر جدیدی است که می توان آن را «دوره پادشاهی سرگردان» نامید. این سرگردانی بیش از هر چیز نتیجه افول حمایت از او در ایالاتی است که در آنها اردو می زد. وی مانند اردشیر اول در آتشکده «آذر آناهید» در استخر بر تخت نشست که شاید نشان دهنده آرزوهای وی برای تجدید دوران ثبات و مشروعیت حکومت باشد. ظاهراً تعداد شهرهایی که به نام یزدگرد سوم سکه می زدند، نشانگر اقتدار وی در این ایالات بود، اما این مسأله موجب اشتباه می شود، زیرا در طول حکومت نسبتاً طولانی وی (۶۳۲ - ۶۵۱م) همه ضربخانه ها همزمان فعال نبودند. فقط شهرهای اطراف این پادشاه سرگردان به ضرب سکه می پرداختند و برای دوران کوتاهی حکومت وی را گردن می نهادند، در حالی که بیشتر ضربخانه های شمال فلات ایران در این دوره فعال نبودند زمانی که یزدگرد سوم در غرب بود، ضربخانه میشان، رام هرمزد، ریواردشیر و ضربخانه های فارس، شهرهای اصلی تأییدکننده حکومت وی بودند. زمانی که پادشاه سرگردان به مرکز فلات ایران حرکت می کرد، شهرهای غربی ضرب سکه را متوقف کردند و تنها چند شهر در فارس، یعنی بیشاپور، شیراز، اردشیر خوره، و ضربخانه های شرق، یعنی گرم کرمان، گواشیر و نرماشیر به نام او سکه ضرب کردند. در سالهای آخر پادشاهی وی فقط پنج ضربخانه به نام او سکه ضرب کردند. اینها عبارت بودند از گرم کرمان، گواشیر، نرماشیر، سیستان و ضربخانه سیار شاهنشاهی. این بدان معناست که ضربخانه ها فقط زمانی که شاه در آن حوالی بود، به کار می افتادند که یا برای پرداخت پول به سربازان، ملازمان و نفرات بود، و یا مجبور می شدند که به نام وی سکه ضرب کنند. همچنان که وی به سمت شرق پیش می رفت، ضربخانه های غرب آرام می گرفتند و ضربخانه های شرق شروع به فعالیت می کردند. می توان نتیجه گرفت که جریان فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان، روند ساده ای نداشت و در واقع، می توانیم از ۶۲۸ تا ۶۵۱ م، سه دوره متفاوت را مشخص کنیم. ابتدا دوره ای از برادر کشی و کاهش مشروعیت پادشاهی، که به دنبال آن دوره چند دستگی و تفرقه به وجود آمد و در مرحله سوم و آخر، یزدگرد سوم همانند پادشاهی سرگردان بر تخت نشست و به حکومت پرداخت. در قرن هفتم میلادی ایران تقسیم شده، و سیاست و رفاه محلی مهم تر از یکپارچگی و اتحاد حکومت شده بود. در طول این دوره آشوب، حکام محلی، دهقانان و مقامات بیشتر علاقه مند به حفظ شهرها و روستاهای خود بودند، تا دفاع از کل شاهنشاهی. می دانیم که حکام محلی و «دهقانان» به جای آنکه راحتی و رفاه مردم خود را به خاطر پادشاه، که دیگر او را مشروع نمی دانستند، قربانی کنند، با فاتحان مسلمان عرب در مورد پرداخت جزیه توافق کرده بودند. این دوره واپسین، مقارن با پدیده ی پادشاهی سرگردان بود و این زمانی بود که پادشاه فقط می توانست نواحی نزدیک اطراف خود را اداره کند. این نوع از پادشاهی از قرن ششم میلادی با تجزیه امپراتوری روم در اروپا نیز توسعه یافت و این بدان معنی بود که پادشاه مجبور بود به طور مداوم به اطراف امپراتوری یا قلمرو خود حرکت کرده، حضور خود را اعلام و هم پیمانانی به دست آورد. یزدگرد سوم هم وارث چنین مسائلی شد. بنابراین، به عنوان شاه سرگردان در ایجاد ثبات نسبی در امپراتوری ساسانی موفقیت محدودی داشت.)) (همان، ۱۳۸۳: ۶۷-۶۸) ویژگی های این برهه از زمان، یعنی ورود اعراب به ایران به لحاظ فرهنگی در کتاب بازشناسی هویت ایرانی- اسلامی دکتر شریعتی بررسی شده است، در این دوره دو قرن سکوت و شورش، بی شکلی فرهنگ و تمدن، فاحش است. یعنی این دو قرن هم بیش از همه ساکت است و هم دو قرنی است که بیش از همه محتویات تاریخ را در بر دارد. هیچ دوره ای در طول تاریخ ایران شاید نباشد که از لحاظ مطالعه برای یک جامعه شناس مورخ یا یک مورخ جامعه شناس به اندازه این دو قرن از لحاظ موادی که در جامعه شناسی و تاریخ وجود دارد، قابل تحقیق و غنی باشد. علتش هم این است که ما در

این دو قرن با جلوه های متنوع و مختلف جامعه و تمدن و فرهنگ بشری سر و کار داریم. در این دو قرن یک تاریخ آغاز می شود و یک تاریخ پایان می پذیرد. در این دو قرن یک جامعه به تیپ دیگری منتقل میشود، در این دو قرن یک فرهنگ جانشین فرهنگ دیگری میگردد، پایه های یک تمدن فرو میریزد و پایه های یک تمدن جوان ریخته میشود و بخصوص در این دو قرن ما در برابر حادثه ای قرار گرفته ایم که کمتر مشابهش در تاریخ وجود داشته است. این دو قرن از این جهت بیشتر دارای ارزش است که ما در آن تکوین یک تمدن باز را شاهد هستیم (تمدن باز عبارت از تمدنی است که در ساختمان آن عناصر متناوب، متنوع و موادی از ویرانه های تمدنهای بسیار متنوع جهان دست اندرکار باشند، یا تمدن بازتمدنی است که در موقع تشکیل، ساختمانش از موادی از ویرانه های تمدنهای بسیار متمدن جهان تشکیل میشود) این است که ما در دو قرن اول شاهد جانشین شدن تمدن اسلامی به جای تمدن ایرانی نیستیم، بلکه شاهد از بین رفتن تمدن ساسانی و جانشین شدن تمدنی هستیم که از عناصر ساسانی، سامی، اسلامی، یونانی، غربی، اسرائیلی گذشته و معاصر تشکیل شده است، از همه این تمدنها در این دو قرن استفاده شده است. این دوره که بنام دوره سکوت و شورش است دارای این خصوصیات می باشد: ۱- زوال روزافزون فرهنگ خاص ایرانی، زردشتی، ساسانی مشخص است. فرهنگی که در موقع ورود اسلام داریم فرهنگی است که با خصوصیات ایرانی، زردشتی، ساسانی مشخص است. در این موقع مسیحیت و مزدک و مانی هم سه نهضت نیرومند بودند که در ایران وجود داشتند، اما نهضت با فرهنگ متفاوت است. نهضت عبارتست از یک جنبش و هیجان جوان که یک سطح یا یک گوشه جامعه را فرا میگيرد، اما هنوز فرهنگ ایجاد نکرده است. فرهنگ از وقتی ایجاد می شود که یک روح عمومی، ادبیات عمومی و رسمی در یک جامعه بوجود آورد. بنابراین این دو قرن (اول و دوم) از چند جهت اهمیت دارند: ۱- از نظر شورشهای مداوم نظامی، جنگ دائمی بین عنصر عرب و ایرانی و کوشش سیاسی نظامی، این دو قرن، دو قرن جنگ بین عرب و ایرانی است. ۲- دوره سکوت است، بهمان مفهومی که آقای دکتر زرین کوب بیان داشته اند. دوره سکوت است بخاطر اینکه دوره شورش و آشفتگی است. دوره آشوب نظامی همیشه بطور تقریب ملازم است با دوره سکوت علمی. دوره سکوت میگویند بخاطر اینکه از این دوره نویسندگان (معنی واقعی)، گوینده، محقق و ... نداریم و کار در دست مبارزان نظامی و سیاسی است. بنابراین در گذشته به میزانی که جامعه صحنه پیکارهای نظامی است به همان میزان صحنه برای پیکارهای فکری و علمی و ادبی و هنری کمتر است و برعکس. ۳- دوره آغاز تصادم رویاروی دو مذهب و دو فرهنگ و دو تمدن است: یکی فرهنگ و تمدن و مذهب مهاجم و دیگری تمدن و فرهنگ و مذهب مدافع. تمدنها، فرهنگها، مذاهب دو حالت دارند. یا حالت تهاجمی دارند و یا تدافعی. هر فرهنگ و مذهبی در ابتدا حالت تهاجم دارد و بعد که پیرو ضعیف می شود حالت تدافعی به خود میگیرد و مورد حمله یک فرهنگ جوان قرار می گیرد. فرد انسانی هم چنین خصوصیتی دارد. تاین بی می گوید: تاریخ فرهنگها و تمدنها عبارتست از نزاع تمدنها و فرهنگها که گروهی حالت تهاجم و گروهی حالت تدافع دارند. حالت تهاجم بقدری ادامه دارد که به اوج قله جوانی می رسد. بعد کم کم ضعیف می شود و در برابر نیروی دیگر حالت تدافعی بخودش می گیرد و این نیروی تدافعی بقدری ضعیف می شود تا وقتی که حتی نیروی جوان به او حمله هم نمی کند (اکنون فرهنگهایی وجود دارند که فسیل شده اند، مذهبهایی هستند که وجود دارند اما تحرک و جنبش ندارند). ۴- اولین برخورد همه جانبه دو بینش کاملاً متفاوت سامی و آریایی در ایران است. در جنگ بین اسلام و ایران یا مطالعه کنندگان مسلمان بوده اند و یا ایرانی و تمام تحقیقاتشان در تحت بینش اسلامی یا ایران پرستی بوده است. اینست که در این تعصبات دوجانبه بسیاری از حقایق علمی عمیقی که میتوانستیم مطالعه کنیم از بین رفته است. یک مساله بسیار بزرگ از نظر روانشناسی اجتماعی- تاریخی وجود دارد. و آن اینست که بینش سامی (در هم دوره حمله عرب) با بینش آریایی با یکدیگر تصادم پیدا میکنند و باهم مورد مطالعه



قرار گیرد. اما چطور؟ می سازند و این مراحل جنگ، حالت سازش، حالت پذیرش در این دوره باید مورد مطالعه قرار گیرد. اما چطور؟ اول بفهمیم که بینش سامی یعنی چه؟ سامی چگونه جهان بینی، فرهنگ و خصوصیات دارد و آریایی (شعبه ایرانی) همین خصوصیاتش چگونه است و این خصوصیات متناقض چگونه با هم در می افتند و نتیجه این جنگ، که پیدا شدن یک فرهنگ قرن چهارم و پنجم و ششم اسلامی هست، چیست؟ فرهنگی است مخلوط از دو بینش سامی و ایرانی با با بینش ایرانی و آریایی ولی محتوای فرهنگ سامی، که خیلی قابل مطالعه است. ۵- باز شدن دریچه های بسته از حصارهای جامعه بسته ایران ساسانی به طرف دنیای آزاد (دنیای آزاد به معنی واقعی). مقصود این است که در اواخر دوره ساسانی، ایران دارای یک جامعه محدود و بسته است (بسته و باز بودن یک جامعه نسبی است). حمله عرب به ایران در قرن اول جامعه ایرانی را از حالت بسته به حالت باز منتقل می کند که بینهایت قابل مطالعه است، یعنی ریشه بسیاری از مسائل بعدی تاریخی را با این تغییر وضع کاملاً روشن می کند. با حمله عرب به ایران دیواره هایی که جامعه ایرانی را در حصار گرفته بود فرو میریزد (شریعتی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۱).

رفتار پیامبر(ص) و اسلام آوردن ایرانیان:

مردم فهیم و غیرتمند ایران در سراسر تاریخ خود شاهد اتفاقات و جریانات بسیاری بوده اند، در اینکه مقابل سخت ترین اتفاقات و دست درازی ها از خود ظرفیت های فراوان به نمایش گذاشته اند، شکی نیست. پس اگر گمان کنیم که مسلمان شدن آنان به واسطه فتح سرزمین شان توسط اعراب بوده است، سخت در اشتباه خواهیم بود. آنچه از منابع تاریخی برمی آید، آشنایی و پذیرش دین اسلام، توسط مردم ایران به دوره حیات پیامبر (ص) برمی گردد. در دوره خلفای راشدین اسلام چیزی غیر از دست آویز و بهانه کشورگشایی نبود و از آن فقط برای رسیدن به خواسته ها و تمایلات جاهلیت عرب، استفاده شد. در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران نوشته مرتضی مطهری به این موضوع پرداخته شده است، حوادث یمن و فداکاری ایرانیان مسلمان آن سرزمین خود شاهد بزرگی است که این ملت با آغوش باز این دین مقدس را قبول کرد و در راه نشر آن از هیچگونه فداکاری خودداری نکرده است. کسانی که می نویسند اسلام با شمشیر بر این ملت تحمیل شده یا تعصب نژادی و احساسات قومی آنها را وادار به این حرف می کند یا از سیر اسلام در میان نژاد ایرانی اطلاع ندارند. همه مورخین می نویسند که دین اسلام با سرعتی شگفت انگیز در ایران پیشرفت، و این ملت بدون جنگ و جدال از آن استقبال کرد و در مدت بیست سال تمام فلات ایران را از ساحل فرات تا رود جیحون و از کناره های سند تا کرانه دریاچه خوارزم فرا گرفت. اگر در چند مورد با اعراب مسلمان جنگ شد آن جنگ مربوط به دسته ای از طبقات ممتاز و موبدان بود که در نظر داشتند با جلوگیری از نفوذ اسلام منافع خود را حفظ کنند. پس از اینکه تمام کشور پهناور ایران به تصرف مسلمین در آمد، طولی نکشید که اکثریت مردم این کشور به استثنای کوههای مازندران و دیلمان دین اسلام را پذیرفتند و فعالیت و کوشش این مردم برای تبلیغ اسلام و تحکیم مبانی و قواعد شرع مقدس شروع گردید. در سه قرن اول اسلام که ایران تحت نفوذ خلفای اموی و بنی عباس اداره می شد، ملت ایران در تشریح احکام دینی، ادبی، قضایی، سیاسی، اجتماعی اسلام سعی بلیغ کرد و امهات مسائل را مطرح ساخت و آنها را روشن نمود. با طلوع قرن چهارم هجری، طبرستان و گیلان نیز به تصرف مسلمین درآمد، و در این قرن مردم استقلال سیاسی به هم رسانیدند، و سامانیان رشته علاقه خود را با خلافت بغداد قطع کردند و به طور مستقل در خراسان و نواحی شرقی ایران سلطنت داشتند، و از نظر فهم و درک مبانی دینی نیز احتیاج به مرکز خلافت نبود (مطهری، ۱۳۶۲: ۳۸۸-۳۸۷). در کتاب السیره النبویه، ابن هشام، اسلام آوردن ایرانیان را در دوره پیامبر(ص) بیان شده است. در زمان

حکومت باذان خدای تعالی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث فرمود. نامه پادشاه ایران به باذان درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله: از زهری نقل کنند که پادشاه ایران نامه بدین مضمون به باذان نوشت که: شنیده‌ام مردی از قریش در مکه ادعای پیغمبری کرده، تو باید پس از رسیدن این نامه به نزد او بروی و او را توبه دهی، پس اگر توبه کرد او را به حال خود واگذار و اگر توبه نکرد سرش را برای من بفرست. باذن عین نامه را به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد، و حضرت در پاسخ برای باذن نوشت: «پروردگار من به من خبر داده که پادشاه ایران در فلان ماه و در فلان روز کشته میشود». همینکه نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله به باذان رسید چشم به راه آن ماه و روز که حضرت خبر داده بود شده و گفت: اگر براستی این مرد پیغمبر باشد آنچه گفته است خواهد شد، و چون آن روز معین رسید پادشاه ایران بدست فرزندش شیرویه کشته شد. چون خبر کشته شدن پادشاه ایران به باذان رسید مسلمان شد و پارسیانی هم که در یمن بودند اسلام اختیار کردند، سپس خبر مسلمان شدن خود و پارسیان ساکن یمن را بوسیله چند تن باطلاع پیغمبر اکرم رسانید، فرستادگان که به حضور آن حضرت شرفیاب شدند خدمتش معروض داشتند: ای رسول خدا سرانجام ما پارسیان به نزد چه کسی خواهد بود؟ حضرت فرمود: شما از ما هستید و سرانجامتان بسوی ما خاندان خواهد بود؟ زهری گوید: و بهمین مناسبت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سلمان از ما خاندان است». و بدین ترتیب یکی دیگر از گفته‌های سطیح و شق که خبر از آمدن پیغمبر الهی داده بودند، بوقوع پیوست. و آعشی نیز درباره بوقوع پیوستن این خبری که داده بود این شعر را گفته است:

ما نظرت ذات اشفار کنظرتها حقا كما صدق الذئبی إذ سجعا (زندگانی محمد(ص)، ۱۳۷۵: ۴۸/۱-۴۶).

بر اساس منابع و کتب تاریخی، سرزمین یمن از زمان انوشیروان در دوره ساسانیان جزء قلمرو ایران بوده است، چنانچه در کتاب تاریخ طبری به آن اشاره می شود: ((«از هشام بن محمد شنودم که: هرمز پسر انوشیروان «زین» را که حاکم یمن بود عزل کرد و «مروزان» را بجای او برگزید. «مروزان» زمان درازی در یمن فرمانروا بود چنانکه دارای فرزندانیش شد و فرزندانیش به سن رشد و بلوغ رسیدند.)) (طبری، ۱۳۷۵: ۵۷)

فتح یمن در دوره حیات پیامبر(ص):

پس از فتح موفقیت آمیز مکه، پیامبر(ص) به فکر گسترش دعوتش بود، به همین خاطر نمایندگانی به سرزمین هایی همانند، یمن فرستاد. در ابتدا افرادی چون معاذ بن جبل و بعد از او عمر بن خطاب در طی شش ماه به یمن فرستاده شدند، اما کاری از پیش نبردند. به همین دلیل پیامبر (ص) حضرت علی را به همراه نامه ای به این سرزمین فرستاد، در گزارشاتی که در منابع می بینیم مردمان یمن بدون جنگ و خونریزی اسلام را می پذیرند. نخستین قبیله ای که اسلام را می پذیرد قبیله همدانیان است. البته که در این داستان ها ما به جعلیات تاریخی بسیاری برخوردیم، از جمله خلق شخصیت هایی که وجود نداشته است و علامه عسکری طی تحقیق هایی که انجام داده است، آنها را کشف کرده و اسامی آنها را در کتاب خود آورده است. نمونه ای کوچک از آن خلق شخصیتی به نام عبید بن لوزان سلمی می باشد، که از قول سیف به عنوان کارگزار و عامل رسول خدا معرفی شده است که همراه با معاذ بن جبل به یمن فرستاده شده و سیف از زبان عبید احادیثی از رسول خدا روایت کرده است در تعیین نصاب زکات گاو و ارشاد و راهنماییهای عمال و کارگزاران خود، و حلال بودن پذیرش هدیه و پیشکش برای معاذ بن جبل، در ادامه به آنها تصریح خواهیم کرد. در کتاب المغازی یکی از خطاب های امیرالمومنین در یمن را چنین بیان می کند: سعید بن عبد العزیز تنوخی از قول یونس بن میسره بن حلیس نقل کرد که: چون علی بن ابی

طالب (ع) به یمن آمد خطبه ایراد فرمود. چون خبر آن به کعب الاحبار رسید در حالی که حله‌ی پوشیده بود بر مرکب خود سوار شد و به اتفاق دانشمندی از دانشمندان یهود برای شنیدن خطبه او آمدند و هنگامی رسیدند که علی (ع) می‌گفت: بعضی از مردم شب می‌بینند ولی روز نمی‌بینند. کعب گفت: راست می‌گوید! علی (ع) فرمود: برخی از مردم نه شب می‌بینند و نه روز. کعب گفت: راست می‌گوید! علی (ع) فرمود: هر کس با دست کوتاه چیزی بدهد با دست دراز چیزی به او داده می‌شود. کعب گفت: راست می‌گوید! دانشمندی که همراه او بود گفت: چگونه هر چه می‌گوید تصدیق می‌کنی؟ کعب گفت: اینکه می‌گوید «برخی از مردم در شب می‌بینند و در روز نمی‌بینند» منظورش افرادی است که به کتابهای اول ایمان دارند و کتاب آخر را قبول ندارند، و اینکه می‌گوید «برخی نه شب می‌بینند و نه روز» منظورش کسانی هستند که نه به کتاب اول و نه به کتاب آخر معتقدند، و اینکه می‌گوید «هر کس با دست کوتاه چیزی بدهد با دست دراز چیزی به او داده می‌شود» منظورش صدقاتی است که خداوند متعال آن را بپذیرد و این مثلی است که خیلی آشکار است و من خود آن را آزموده‌ام. می‌گویند، در این هنگام فقیری پیش کعب آمد و کعب حله خود را به او داد، دانشمندی هم که همراه او بود با حالت خشم از او جدا شد. زنی مقابل کعب سبز شد و گفت: چه کسی حاضر است مرکوب خود را با من عوض کند؟ کعب گفت: من حاضرم به شرط آنکه علاوه بر مرکوب خودت یک حله هم بدهی! زن پذیرفت. کعب مرکوب را گرفت و حله را پوشید و تند به راه افتاد و به آن دانشمند رسید و می‌گفت: هر کس با دست کوتاه چیزی بدهد با دست دراز چیزی به او داده می‌شود! اسحاق بن عبد الله بن نسطاس از عمرو بن عبد الله عبسی نقل کرد که، کعب الاحبار می‌گفته است: هنگامی که علی (ع) به یمن آمد من به دیدارش رفتم و گفتم: برای من نشانی‌های محمد (ص) را بگو! و او شروع به گفتن کرد و من لبخند می‌زدم. علی (ع) پرسید: چرا لبخند می‌زنی؟ گفتم: از این جهت که این نشانیها مطابق است با نشانیهایی که پیش ماست. علی (ع) گفت: چیزهایی را که حلال و حرام کرده است چطور؟ گفتم: آنها هم مطابق با اطلاعات ماست. کعب می‌گوید: من رسول خدا را تصدیق کردم و به او ایمان آوردم و دانشمندان یهودی منطقه خود را دعوت کردم و کتابی را بیرون آوردم و گفتم: این کتاب را پدرم مهر و موم کرده و به من داده و گفته است آن را باز مکن تا وقتی که بشنوی پیامبری در مدینه ظهور کرده است. کعب می‌گوید: من مسلمان شدم و در یمن ماندم و پس از رحلت رسول خدا (ص) و مرگ ابو بکر به مدینه آمدم و ای کاش زودتر به مدینه هجرت می‌کردم! (واقعی، ۱۳۶۹: ۸۲۹-۸۳۰) به نظر می‌رسد که سفر حضرت علی به یمن یک مرتبه نبوده است زیرا صاحب کتاب طبقات الکبری به دو سفر اشاره می‌کند: ((پس آن گاه سریۀ علی (ع) به جانب یمن واقع شد و گویند دو بار بود و یکی از آن دو در ماه رمضان از سال دهم هجرت پیامبر (ص) واقع شد.)) (واقعی، ۱۳۷۴: ۱۶۵/۲) در هر صورت رفتار حضرت علی (ع) و اجرای دستورات پیامبر (ص) مثال‌های واضحی از احکام صحیح گسترش دعوت به دین انسانیت، یعنی اسلام می‌باشد. در گزارشاتی درگیری قبیله مذحج و حضرت علی (ع) را داریم، سفارشات پیامبر به حضرت علی (ع) و رفتار ایشان قابل توجه می‌باشد.

سفارشات پیامبر خدا در باب احکام فتوحات و رفتار حضرت علی (ع) :

در کتاب المغازی این موضوع صراحتاً بیان شده است که حضرت علی (ع) در زمان رفتن به سرزمین یمن از پیامبر (ص) سوال می‌پرسد که در آنجا چگونه رفتار کنم؟ نه اینکه حضرت علی (ع) نداند چطور باید رفتار کند، بلکه ایشان قصد دارد برای مردم الگوی رفتاری ارائه دهد و این موضوع را مطرح کند که در هر صورت با هر درجه از علم و آگاهی آنچه که رسول خدا (ص) امر می‌کند، اولویت دارد و نوع برخورد خود را به عنوان حقیقت احکام اسلام به جهان معرفی کند اما می‌بینیم که در طول تاریخ بعد از دنیا رفتن رسول خدا سنت او ارزش و جایگاه خود را از دست می‌دهد و حضرت علی (ع) کنارگذاشته

می شود و در نتیجه فجایع بزرگی در فتح سرزمین های دیگر در دوره خلفا شکل می گیرد. در کتاب المغازی چگونگی سفارشات پیامبر(ص) مطرح شده است. اسامه بن زید، از پدرش، از عطاء بن یسار، از ابو رافع برایم نقل کرد که پیامبر (ص) وقتی علی (ع) را روانه فرمود به او گفت: برو و به این سو و آن سو توجه نکن (معطل مشو)؛ علی (ع) گفت: ای رسول خدا، چگونه رفتار کنم؟ فرمود: چون به سرزمین ایشان فرود آمدی تو شروع به جنگ مکن تا آنها شروع به جنگ کنند، و اگر شروع به جنگ هم کردند و یکی دو نفر از شما هم کشته شدند باز هم تو جنگ مکن! با آنها مدارا کن و گذشت و چشم پوشی خود را به آنها نشان بده، بعد به آنها بگو: آیا موافقید و میل دارید که لا اله الا الله بگویید؟ اگر گفتند آری، بگو: آیا موافقید که نماز بگذارید؟ و اگر گفتند آری، بگو: آیا موافقید که از اموال خود صدقه‌یی بپردازید که میان فقرای شما تقسیم شود؟ و اگر پذیرفتند انتظار دیگری از ایشان نداشته باش. به خدا سوگند اگر خداوند یک مرد را به دست تو هدایت کند برای بهتر است از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می کند... (همان، ۱۳۶۹: ۸۲۷). می بینیم که منظور و هدف حضرت علی (ع) از رفتن به یمن در سخنان پیامبر(ص) به روشنی بیان شده است، اینکه ایشان مسائل مربوط به هدایت مردم را بیان می کند الگویی درست در جهت ارائه اسلام حقیقی می باشد. در ادامه آنچه فتوح البلدان درباره سرزمین یمن و فرستادن معاذ بن جبل توسط پیامبر(ص) بیان شده است را می آوریم. گویند که چون خبر نصرت رسول الله (ص) و علو حق او به اهل یمن رسید، هیأتی از ایشان نزد وی آمدند و پیامبر عهد نامه ای برای آنان نوشت که آنچه از اموال و اراضی و دفائن به هنگام مسلمان شدن دارند به ایشان باز گذارده شود. پس اسلام آوردند و او رسولان و کارگزاران خود را نزد ایشان فرستاد تا شریعت و سنن اسلامی را به ایشان بشناسانند و صدقاتشان را بازگیرند. و بر سرانه کسانی از ایشان که بر دیانت مسیحی و یهودی و مجوسی باقی بودند، جزیه برقرار کرد. حسین بن اسود از وکیع بن جراح و او از یزید بن ابراهیم تستری و او از حسن حکایت کرد که گفت: رسول الله (ص) به مردم یمن نوشت: هر که نماز ما گزارد، و هر که قبله ما بگیرد و ذبیحه ما خورد مسلمان است و ذمه خدا و رسولش بر او خواهد بود و هر که اباء کند بر او جزیه خواهد بود. هدیه از یزید بن ابراهیم و او از حسن همانند این روایت را نقل کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۱۰۱). در دوره فتوحات خلفا آگاهانه کوشیدند تا با وارد کردن حضرت علی در جریان فتوحات به کشورگشایی خود مشروعیت ببخشند (قایدان، ۱۳۷۳: ۱۱۴)، اما در هیچ یک از منابع و مآخذ تاریخی و حدیثی موثق شرکت علی(ع) و فرزندانش در فتوحات گزارش نشده است (رنجبر، ۱۳۹۶: ۳).

رفتار حضرت علی (ع) در باب غنائم در جنگ و زکات:

رفتار و تصمیمات حضرت علی (ع) بر اساس احکامی است، که توسط پیامبر(ص) تصریح می شده، گواه آن هم تا حدودی منابع و مدارکی است که برجای مانده است. عمر بن محمد بن عمر بن علی، از قول پدرش نقل کرد که: علی (ع) همه غنائم را جمع کرد و به پنج قسمت تقسیم نمود و قرعه کشی کرد و سهم خمس را که با قرعه‌ای بنام «الله» بیرون آمده بود مشخص ساخت و به هیچیک از مردم هم غنیمتی نداد، حال آنکه پیش از آن فرماندهان به افرادی که حضور داشتند چیزی از خمس می دادند و بعد به رسول خدا گزارش می دادند. علی (ع) چنین نکرد و از او مطالبه کردند، ایشان نپذیرفت و فرمود: من تمام خمس را پیش رسول خدا می برم هر طور که خواست عمل فرماید، وانگهی رسول خدا هم اکنون عازم شرکت در مراسم حج است و ما با او برخورد می کنیم و به هر چه خداوند مقدر فرموده باشد حکم خواهد فرمود. علی (ع) برای مراجعت حرکت کرد و خمس را با هر چه که قابل حمل بود با خود برد. چون به فتق (فتق، نام دهکده‌یی در طایف است (یاقوت حموی، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۳۸). رسید خود با عجله پیش افتاد و جلو رفت و ابو رافع را به فرماندهی اصحاب خود و مواظبت از خمس منصوب کرد.

ضمن اموال خمس، مقداری لباسها و پارچه‌های بهم پیچیده یمنی و شتران و دامهایی بود که به غنیمت گرفته بودند و هم مقداری از شتران زکات که مربوط به زکات اموال یمنی‌ها بود. ابو سعید خدری که در این جنگ همراه علی (ع) بوده می‌گفته است که: آن حضرت ما را از سوار شدن به شتران صدقه و زکات منع فرموده بود. اصحاب علی (ع) از ابو رافع درخواست کردند که لباسی به آنها بدهد و ابو رافع به هر یک از ایشان دو جامه داد که پوشیدند، و همینکه به منطقه سدره که داخل مکه است رسیدند علی (ع) برای دیدار آنها آمد که آنها را منزل دهد و به حضور پیامبر (ص) برسد و متوجه شد که دوستان ما هر یک دو لباس نو پوشیده‌اند. جامه‌ها را شناخت و به ابو رافع فرمود: چرا چنین است؟ گفت: اینها صحبت کردند و من از شکایت ایشان ناراحت شدم و پنداشتم که این کار بر شما گران نخواهد بود و امرای دیگر هم که پیش از شما بودند چنین کاری کرده بودند. علی (ع) فرمود: تو قبلا دیدی که من این تقاضای ایشان را نپذیرفتم و حال آنکه تو تقاضای ایشان را بر آورده‌ای! گوید: علی (ع) ایستادگی کرد به طوری که جامه‌های برخی را در آورد. همینکه آنها به حضور پیامبر آمدند شکایت کردند. پیامبر (ص) علی (ع) را خواست و فرمود: چرا دوستانت از تو شکایت دارند؟ فرمود: من کاری نکرده‌ام که موجب شکایت آنها گردد، آنچه از غنیمت که سهم آنها بود میانشان تقسیم کردم و خمس را نگه داشتم که به حضور شما بیاورند تا هر طور مصلحت بدانید عمل کنید، البته فرماندهان قبلی کارهایی می‌کرده‌اند و از جمله به هر کس می‌خواسته‌اند از خمس چیزی می‌داده‌اند ولی من چنان مصلحت دانستم که آن را پیش شما بیاورم، تا هر طور می‌خواهید رفتار کنید (همان، ۱۳۳۷: ۸۲۹-۸۲۸). البته جعلیات درباره پیامبر و حضرت علی (ع) در کتب مهم تاریخی هم کم نیستند، اما آنچه که اهمیت دارد تیزیابی ما در پیدا کردن جعلیات در این مطالب است، معیار این تشخیص قدرت عقل و سرنخ‌های تاریخی در کنار علم رجال شناسی می‌باشد. در متونی دیگر از کتاب المغازی نحوه گرفتن زکات توسط حضرت علی (ع) بیان شده است. ابراهیم بن ابو بکر بن مکیدر، از حسین بن ابی بشیر مازنی، از پدرش، از ابو سعید خدری نقل کرد که گفته است: همراه علی (ع) در یمن بودیم، دیدم که آن حضرت از حبوبات (گندم و جو) حبوبات قبول می‌کند و برای زکات شتر، شتر نر هم می‌پذیرد، و از گوسفند، میش قبول می‌کند، و از گاو، ماده گاو، و از کشمش، کشمش قبول می‌کند، و برای مردم مشقتی ایجاد نمی‌فرمود و معمولا در محل کار آنها حاضر می‌شد و میزان زکات دامهای آنها را تعیین می‌کرد و به کسی دستور می‌داد که آن را دریافت کند. معمولا کره‌ها را از مادرانشان جدا نمی‌ساخت و معمولا با آنها راه می‌آمد و هر میش و ماده گوسفندی را که می‌آوردند دستور می‌داد قبول کنند و کسی را مأمور می‌کرد که آنها را جمع آوری کند و به چرا برسد و بعد هم میان فقرا آنها تقسیم شود (همان، ۱۳۳۷: ۸۳۱).

شیوه رفتار خلفا در فتوحات بعد از پیامبر(ص):

موضوع فتوح ایران در دوره ی خلفای راشد، یکی از مهم ترین مباحث تاریخ می باشد. دین اسلام، یک دین کاملا سیاسی است، به این معنا که احکام و تعالیم آن به شرایط و زمینه مادی متفاوتی احتیاج دارد و تبعات دنیوی خاصی را به دنبال دارد (اسدی، ۱۳۷۷: ۱). آیه «أطیعوا الله وأطیعوا الرسول و أوالی الامر کرم (نساء: ۵۹)» میزان اهمیت پیروی از سیره و رفتار پیامبر (ص) را در عملی شدن اسلام در جامعه نشان می دهد. قطعاً حضرت محمد(ص) یک انسان است اما در حقیقت یک اسلام مجسم محسوب می شود. شناخت رفتار و تفکر رهبر نهضت، شناخت اهداف آن نهضت محسوب می شود. بنابراین معرفت نسبت به اهداف و رسالت های حضرت محمد(ص) معرفت به اسلام از نگاهی دیگر است (شریعتی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷). پیامبر(ص) در طول زمان حیات خود تمام تلاش خود را به کار بست تا به مسلمانان بفهماند که توسل به زور و ستمگری برای رسیدن به حکومت در دین اسلام فاقد مشروعیت و اعتبار است. اما با رحلت ایشان، این امر به طور کامل به دست فراموشی



سپرده شد (دلشادتهرانی، حامی، ۱۳۹۵: ۱۰). شناخت دقیق تاریخ صدر اسلام از میان انبوه روایات تاریک و روشن آلوده به شک، بسیار دشوار است. از دیدگاه بسیاری از مورخان متخصص در تاریخ اسلام، مرحله ای به دشواری و از هم گسیختگی اخبار مانند دوره صدر اسلام بعد از وفات پیامبر(ص) نیست. آسیب های رفتاری و تمدنی و فرهنگی فتوحات از جمله عجم ستیزی، تحجر و قشریگری و تزویر و ثروت اندوزی را در جامعه اسلامی بعد از پیامبر اکرم (ص) بنا کرد و نتیجه آن شکافهای عمیق در جامعه بود که حتی با تلاش ها و فداکاری ها و مسئولیت پذیری حضرت علی(ع) در زمان محدود، امکان اصلاح آن وجود نداشت (معادیخواه، ۱۳۸۲: ۱۰۲). در زمینه فتوحات، برخی شرق شناسان بر این امر تاکید دارند که تنها عامل اساسی در فتوحات کسب غنایم و به دست آوردن ثروت بود و علاقه و اشتیاق برای گسترش اسلام و جهاد مطرح نبوده است (فوزی، ۱۳۹۵: ۱۰). در دوره سه خلیفه (۴۰-۱۱ ه ق) مهاجرت ها به سرزمین ایران بیشتر جنبه ی نظامی داشت. در عصر جاهلیت موالی افرادی بودند که به دلایل متعدد از قبیله ی خود رانده می شدند و خود را در حمایت بزرگان قبایل دیگر قرار می دادند (مطهری، ۱۳۶۲: ۳۵۷). با وسعت پیدا کردن فتوحات، این اصطلاح معنای دیگری یافت و به طور عمده به نو مسلمانان غیرعربی گفته می شد که با توسل به اسلام از اسارت نجات می یافتند و با نام موالی تحت حمایت صاحبان اولیه خود باقی می ماندند (مفتخری، نیکو، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۷). عملکرد جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر(ص) به ویژه در نیمه اول قرن یکم از جهت انتخاب رهبران جامعه و چگونگی هدایت و راهنمایی امت به وسیله آنان شایسته تامل و تحلیل است (دوره کی، کهن ترابی، ۱۳۹۵: ۱۰۷). در عصر خلفا، موالی یعنی ایرانیان در وضعیت تاسف باری قرار داشتند. اعراب با شرط مسلمان شدن ایرانیان وعده برخورد برادرانه و عادلانه می دادند اما در عمل با ایرانیان مسلمان شده به بدی رفتار و آنان را تحقیر می کردند. این وضع ناگوار برای ایرانیان به حدی رسید که در عین مسلمان بودن جزیه می پرداختند. دوران خلفای راشدین با عصر کوتاه خلافت حضرت علی(ع) تفاوت های بارزی دارد. به نظر می رسد مهم ترین عامل پیدایش وضعیت اسف بار ایرانیان تعصبات و تمایلات خود برترینی عربی بوده است. این تعصبات در دوره بیست و سه ساله رسالت حضرت محمد (ص) به شدت سرکوب شد؛ اما پس از رحلت ایشان، به ویژه در حکومت عمر بن خطاب دشمنی عرب با عجم، به ویژه ایرانیان و نیز تفاخرات قبیله ای عربی، به ویژه از نوع قریشی احیا شد (معلمی، اسفندیاری، ۱۳۹۲: ۴۵-۷۰). برخی نویسندگان عرب و جماعت سنی مذهب به طور عمده با بی عیب و نقص جلوه دادن دوران خلفای نخستین، هاله ای قدسی بر گرد آنان کشیدند و هیچ نقدی نسبت به این دوران را نپذیرفتند؛ تا آنجا که حتی امروز هم با روشن شدن جعلیات تاریخی، همواره خلافت راشده را چراغ راه و الهام بخش همیشگی امت اسلامی دانسته اند (شهنواز، ۱۳۸۹: ۱۱). بعد از رحلت حضرت محمد(ص)، مدیریت مجاهدان مسلمان تفاوت آشکاری کرد؛ بسیاری از فرماندهان و نام آوران فتوحات فاقد روحیه و اخلاق ناب اسلامی بودند؛ که تبعات آن شکل گیری فرهنگ خشونت و بی رحمی بود که باعث بروز اعمالی خارج از حدود الهی شد. نتیجه این روش خصمانه جدید، ترسیم تصویری خشونت آمیز از اسلام بود (زینلی، ۱۳۹۵: ۹۴).

فتوح نگاری:

فتوح جمع فتح و به معنای باز کردن دروازه های شهر از راه جنگ و یا روش های مسالمت آمیز است که منجر به اعمال حاکمیت اسلامی می شود. تاریخ نگاری فتوح اسلامی ایران به تلاش های علمی مورخان و اخباریان گفته می شود که به خلق آثار مکتوب درباره فتوح ایران انجامیده است. در مبحث فتوح نگاری چهار نوع نگرش وجود دارد: دیدگاه فقهی- حقوقی، مربوط به نقش حقوقی کارگزاران در برخورد با سرزمین های فتح شده؛ دیدگاه محلی- جغرافیایی که مربوط به شناسایی

نواحی فتح شده و معرفی جغرافیای طبیعی و انسانی و اقلیمی این نواحی و نحوه فتح آنها و رفتار فاتحان با مردم سرزمین های فتح شده است؛ دیدگاه وقایع شناختی و سیره شناختی که مربوط به نقش تدبیری و نظامی پیامبر(ص) خلفا، شاهان و فاتحان در فتح سرزمین ها است(عزیزی، ۱۳۹۱: ۶۳). « در آغاز تکامل کتابت و ثبت آثار در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم، کاربرد «اسناد» با تسامح روبرو بوده است، نام بسیاری از شاهدان عینی و فاتحان در گزارش های فتوح دیده نمی شود و راویان به جای شاهدان در کانون تولید این اخبار قرار می گیرند. پس، در نخستین حلقه های تولید گزارش فتوح یا شاهدان عینی نخستین فاتحان هستند، مانند عمر بن خطاب، جابر بن عبدالله، ابوامامه باهلی، معقل بن یسار، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، ابوموسی اشعری، ابوالثقیف بن سلمه، انس بن مالک، علاء بن حضرمی، براء بن عازب و قیس بن ابی حازم و یا نخستین مورخان و فتوح نگارانی که خود در جریان فتوح نبوده اند، اما روایات خود را با واسطه، از شاهدان عینی و فاتحان گرفته اند، مانند سائب بن اقرع صحابی که قصه نهبان را از عمر نقل می کند و یا شماری از تابعین و اتباع آنان نظیر عروه بن زبیر، سعید بن مسیب، ابن شهاب زهري، عامر بن شراحیل شعبی، وهب بن منبه، ابن اسحاق، ابومخنف لوط بن یحیی، سیف بن عمر، شریک بن عبدالله و قتاده بن دعامة سدوسی بصری، سفیان بن عیینه، عبدالله بن مبارک و یعقوب بن ابراهیم بن سعد زهري»(همان، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۷ و عسکری، ۱۳۷۸ و نصیری، ۱۳۹۹).

فتوح ایران :

سرزمین تاریخی ایران به دلیل دارا بودن موقعیت حساس استراتژیکی، جغرافیایی، حد فاصل بین آسیای میانه، هند، بین النهرین و آسیای صغیر و نیز برخورداری از ثروت های مادی، همواره مورد توجه سرزمین های دور و نزدیک بوده و در نتیجه معرض تهدیدهای خارجی قرار داشته است (علیپورسیلاب، اروجی، ۱۳۹: ۲۳ و ۲۴). بحران و اوضاع آشفته و اختلافات درونی و قحطی و طاعون و ... (آشتیانی، ۱۳۸۸: ۵۳ و نک دریایی، ۱۳۸۳: ۶۷)، در اواخر دوره ساسانی هنگامه شکل گیری حکومت اسلامی در شبه جزیره عربستان، باعث شد که ضمن برهم خوردن توازن سیاسی- نظامی در جنوب غربی و غرب ایران، گستره ایران عصر ساسانی از بین النهرین تا ماوراءالنهر در معرض فتوح اسلامی قرار گیرد (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۰). درباره اخبار فتوح ایران مبالغه ها و خطاهای بسیاری صورت پذیرفته، روایات اعراب عراق ملامال از اغراق و خودستایی است. روایات اعراب حجاز هم تا حدودی منعکس کننده اندیشه معجزه و نصرت الهی می باشد. اما مورخ از میان انبوه روایات ضد و نقیض و آشفته راه خود را پیدا می کند و تلاش می کند تا بی آنکه دچار لغزش و سردرگمی شود، به درون حقیقت نفوذ کند (زرین کوب، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

جعلیات فتوح ایران:

جعلیات فتوح دوره ابوبکر و دیگر خلفای راشدین توسط علامه عسکری در کتاب چهار جلدی، صد و پنجاه صحابی ساختگی تحلیل و بررسی شده، شخصیت برجسته و خالق داستان های خیالی فتوح در اسناد تاریخی، سیف بن عمر است. علامه در کتاب خود دلیل اصلی رواج روایات جعلی سیف بن عمر را تطابق این روایات با آنچه مورخان و مسلمانان به عنوان میل درونی می باشد، دانسته است؛ نه « آنچه واقعا رخ داده است ». مواردی مانند اخلاق فرشته گونه حاکمان اسلامی، قهرمانان بی نظیر و کراماتی خارق العاده که در همه روایات سیف وجود دارد، گواه بر درستی تحلیل علامه که به بررسی روایات جعلی پرداخته، می باشد. (خوانین زاده، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۱).

نتیجه گیری:

شان و مقام یگانه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و توصیه قرآن به پیروی از افعال و اقوال او، قوی ترین انگیزه مسلمانان در تدوین سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد. با این همه، باید تأکید کرد که هدف از تدوین حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز، بهره های سیاسی و اجتماعی و اعتقادی بود؛ ولی آن گاه که این کار شکل گرفت، اهمیت آن در نقل و ضبط و تدوین تاریخ آشکار گردید و سیره نویسی که خود از انواع تاریخ نگاری اسلامی و مهم ترین مدخل پژوهش های تاریخ آغاز اسلام به شمار می رود، از همین جا وارد عرصه تاریخ نگاری شد. افزون بر آن که روایتی هم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند که مردم را به پرداختن به «تاریخ» توصیه کرده، اطلاع ایشان از تاریخ گذشتگان که آن را از جمله معجزاتش بر شمرده، و از آگاهی عمیق تاریخی او یاد کرده اند، انگیزه دیگری در مسلمانان برای اقبال به تاریخ ایجاد کرد. اما فرایند ضبط و تدوین سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برخی از محققان متأثر از عواملی چون شیوه تاریخ نگاری ساسانی و روایات ایام العرب دانسته اند. از دیدگاه روش های تاریخ نگاری، روش روایی یا حدیثی - خبری، از کهن ترین و مهم ترین روش های عرضه اخبار تاریخی در تاریخ نگاری اسلامی به شمار می رود. تحقیق درباره آغاز شکل گیری و رواج این روش، قطع نظر از تاریخ ظهور روایت و اسناد روایت، مستلزم بحث درباره کتابت روایات و اخبار تاریخی است. نظر مشهور بر آن است که روایات مربوط به انساب و مغازی و سیره تا اوایل سده ۲ق/ ۸م به صورت شفاهی نقل می شد. پس از آن، راویان به تدریج به کتابت گرایش یافتند و هم اینها نخستین مورخان عصر اسلامی به شمار می روند. در واقع تاریخ نگاری اسلامی با آغاز کتابت حدیث و اخبار مقارن بود. از سوی دیگر به نظر می رسد که دست کم بخشی از گزارش های مورخان چون طبری از منابع مکتوب گرفته شده است و گروهی از محققان، ضمن تحقیق درباره نخستین راویان مغازی و آثار آن ها، معتقد شدند که روایات از آغاز، یعنی از زمانی که مسلمانان به اهمیت روایت پی بردند نوشته می شد. درباره اسناد روایت، اعم از شفاهی یا مکتوب، باید گفت که حوادث و کشمکش های سیاسی و اعتقادی که جعل حدیث و دخل و تصرف در آن را نیز در پی داشت موجب توجه به سلسله سند روایت شد و هر کس که خبری اعم از دینی و غیر دینی روایت می کرد، آن را به کسی که شاهد صدور آن خبر از منبع اصلی بود، یا آن را بلاواسطه از شنونده و شاهد دیگر گرفته بود، مستند می کرد. پدیده اسناد و اصطلاحاتی چون «سماع» و «قرائت» و «کتابت» و جز آن ها را نشانه ای بر وجود منابع مکتوب اخبار و روایات در دوران آغازین اسلام دانسته اند و شواهدی بر آن اقامه کرده اند. به هر حال، از آن جا که اقوال و افعال پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دیده مسلمانان، یگانه راهنمای ایشان پس از قرآن به شمار می رود، محدثان، یعنی نخستین کسانی را که به مغازی و سیرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) توجه، و آن ها را حفظ کردند، باید اولین مورخان عصر اسلامی به شمار آورد. به سبب همین اهمیت، اسناد روایت و نقد راویان سیره و مغازی نیز همچون احادیث دیگر در ارزیابی میزان صحت آن ها اهمیت یافت و به عنصری اساسی در بررسی روایات تاریخی و تاریخ نگاری روایی تبدیل شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد، کتبی که در مورد فتوحات نوشته شده قابل قبول نیست و بسیاری از راویان این روایت های جعلی وجود خارجی ندارند. طبری نیز حجم قابل توجهی از این جعلیات را در اثر خود گنجانده به طوری که در دوره های بعد کتاب او به عنوان مرجع مورد استفاده دیگر مورخان اسلامی قرار گرفته است.

منابع:

- ۱- اسدی، مرتضی، ۱۳۷۷، ایران، اسلام، تجدد، تهران، انتشارات موسسه طرح نو.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۸، تاریخ ایران از اسلام تا انقراض قاجاریه، تهران.
- ۳- بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۳۳۷ ش، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، چ اول، تهران، انتشارات نشر نقره
- ۴- دریایی، تورج، ۱۳۸۳، سقوط ساسانیان فاتحان خارجی مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان، ترجمه منصوره اتحادیه، چاپ دوم، تهران، نشر تاریخ ایران
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۴۸، کارنامه اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۶-، ۱۳۸۳، تاریخ ایران بعد از اسلام، چاپ دهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۷- شریعتی، علی، ۱۳۹۴، بازشناسی هویت ایرانی- اسلامی، انتشارات تهران.
- ۸- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ۱۳۷۵ ش، ترجمه ابو القاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۹- عزیزی، حسین، ۱۳۹۱، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۰- عسکری، سید مرتضی، ۱۳۷۸، صدو پنجاه صحابه ساختگی، ترجمه عطا محمد سردارنیا، تهران، دانشکده اصول دین.
- ۱۱- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۳۸۰، معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، ج ۶، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- ۱۲- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات صدرا.
- ۱۳- معادیکخواه، عبدالمجید، تاریخ اسلام عرصه دگراندیشی و گفت و گو روزگار عثمان، ۱۳۸۲، چاپ اول، تهران، انتشارات ذره.
- ۱۴- نصیری، بهاره، ۱۳۹۹، نگاهی به مکاتب تاریخ نگاری اسلامی، کرج، انتشارات مهر سمان.
- ۱۵- واقدی، محمد بن عمر، ۱۳۶۹ ش، مغازی تاریخ جنگهای پیامبر(ص)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- واقدی، محمد بن سعد کاتب، ۱۳۷۴ ش، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه.

مقالات:

- ۱- خوانین زاده، محمدعلی، نگاهی بر کتاب عبدالله بن سبأ و اساطیر اُخری، کتاب ماه دین، شماره ۱۳۹، ۱۳۸۸، ۱۹-۲۲

- ۲- دوره کی، علی رضا، کهن ترابی، میثم، مصداق شناسی قانون گریزی خلیف سوم و تاثیر آن در انحطاط جامعه از منظر نهج البلاغه، نیم سال نامه اندیشه و حدیث، شماره ۲۱، ۱۳۹۵، ۱۰۶-۱۲۹
- ۳- دلشاد تهرانی، مصطفی، حامی، مژگان، آسیب شناسی عملکرد خلفای سه گانه بر اخلاق اجتماعی مسلمین با تکیه بر نهج البلاغه، فصلنامه نهج، شماره ۴۹، ۱۳۹۵، ۷-۲۲
- ۴- رنجبر، محسن، مواضع علی(ع) در برابر فتوحات خلفا، نشریه علمی پژوهشی تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره دو، ۱۳۹۶
- ۵- زینلی، بهمن، مقایسه تحلیلی سیره رسول خدا(ص) با دوره خلافت در مدیریت مجاهدان مسلمان، فصل نامه پژوهش های تاریخی(علمی- پژوهشی)، شماره دو، ۱۳۹۵، ۷۹-۹۶
- ۶- شهناز، ثناءالله، خلافت راشده چراغ راه و الهام بخش همیشگی امت اسلام، ندای اسلام، شماره ۴۹، ۱۳۸۹، ۷-۱۱
- ۷- صالحی، کوروش، نقش زمان و مکان در اثرپذیری دهقانان از فتوح اسلامی، شماره ۶۳۵، ۱۳۸۸
- ۸- علیپورسیلاب، جواد، اروجی، فاطمه، ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی (با تاکید بر بخارا و سمرقند)، پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه و علوم انسانی و مطالعات، شماره ۲، ۱۳۹۲، ۱۹-۴۳
- ۹- قایدان، اصغر، فتوحات مسلمانان در عصر خلفا و نقش امام علی(ع)، مجله کیهان اندیشه، شماره ۵۶، ۱۳۷۳، ۱۳۹-۱۴۷
- ۱۰- فوزی، فاروق عمر، جایگاه تاریخ عصر خلفای راشدین در آثار شرق شناسان، فصلنامه تاریخ نو، شماره ۱۵، ۱۳۹۵
- ۱۱- مفتخری، حسین، نیکو، محمود، بهرامیان، مسعود، پی آمدهای اجتماعی مهاجرت قبایل عرب به خراسان در قرون نخستین اسلامی، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام، شماره ۴، ۱۳۹۳، ۱۴۶-۱۶۹
- ۱۲- معلمی، مصطفی، اسفندیاری، مجتبی، ریشه های تاریخی تبعیض درباره موالی در عصر خلفا، شماره ۱۱، ۱۳۹۲، ۴۵-۷۰

Studying the historiography of the conquest of Iran according to the biography of the Prophet (PBUH)

¹Nazaninfateme Jelokhani

Master's degree in Shiite history from Khwarazmi
University, Tehran

Abstract - ۱-۱

According to Muslims, the words and deeds of the Prophet (peace and blessings of Allah be upon him) are their only guide after the Qur'an. Muhaddith, i.e., the first people who paid attention to and preserved the words and biography of the Prophet of Islam (peace be upon him), should be considered the first historians of the Islamic era. Due to this importance, the narration and criticism documents of the narrators of Sirah and Maghazi, like other hadiths, became important in evaluating their accuracy and became a basic element in the examination of historical narratives and narrative historiography. . Islamic historiography was started by news narrators. The historiography of the age of conquests in the first three centuries of Hijri is the beginning of the publication of many false narratives, especially the conquest of Iran in historical books. Tabari also included a significant amount of these forgeries in his work so that in later periods his book was used as a reference by other Islamic historians. The current research has a descriptive and analytical nature and has been compiled by library method. In the current research, we intend to answer questions such as: 1- What is the life of the Prophet (PBUH) in the field of Fatuh rulings? 2- What was the behavior of the caliphs in the conquests after the Prophet (PBUH)? 3- What was the condition of Iran before the conquests? And... let's talk.

Keywords: Historiography of Conquest, Conquest of Iran, Biography of the Prophet (PBUH), History of - ۱-۲
.Tabari

¹ Master's degree in Shiite history from Khwarazmi University, Tehran.